

**Analysis of the teacher's guide books and textbooks of primary school and secondary school of the education system in terms of resistive economy****Zahra khoje, Behrooz Mahram, Mahmoud Saeedi Rezvani**¹ MA graduated of Curriculum from Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.² Corresponding author and Associate professor in curriculum, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.³ Associate professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.**Abstract**

The aim of this research was to consider resistive economy contents of teacher's guide books and textbooks of primary school and secondary school of Iran's education system. The content analysis method was used to check the economy attention to the contents of resistive economy in these books. In this research all textbooks were investigated and the concept of each paragraph was recorded as a unit. Deductive method was done for the coding process. Descriptive statistics in this research were frequency, percentage and charts Chi-square test was used for frequency differences determination. According to the data of the content analysis of these books revealed that consumption patterns of reform, entrepreneurship, manufacture and domestic production (supporting national production), the formation and extraversion have been more considered. The resistance economic components were neglected, which they include: Knowledge-based economy, reforming economic structures and institutions, clarification and purification of economy, Justice economics and reduce dependence on oil and raw retail component. For improving the curriculum and thus foster the resistance of economy, there should be consideration over reviewing and incorporating Resistive economy in books of Education.

Keywords: Resistive economy, content analysis, the teacher's textbooks and guide books, primary school, high school

تحلیل محتوای کتاب‌های راهنمای معلم و کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول نظام آموزش و پرورش ایران از حیث توجه به اقتصاد مقاومتی

زهراخوجه، بهروز مه‌رام^{*}، محمود سعیدی رضوانی^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد. گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، مشهد، ایران.
دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، مشهد، ایران.
^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، مشهد، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر باهدف تحلیل محتوای کتاب‌های راهنمای معلم و کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول نظام آموزش و پرورش ایران از حیث توجه به اقتصاد مقاومتی انجام و برای بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در این پژوهش تمام محتوای کتاب‌ها به‌صورت تمام شماری مورد بررسی قرار گرفت. واحد ثبت در این پژوهش، مضمون هر پاراگراف بود. فرآیند کدگذاری به شیوه قیاسی انجام شد و برای توصیف میزان توجه کتاب‌ها به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، از فراوانی، درصد و نمودار و برای بررسی تفاوت فراوانی مضامین معطوف به مؤلفه‌های مورد بررسی، از آزمون خی دو بهره‌گیری شد. یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا نشان داد که در کتاب‌های مورد بررسی، به مؤلفه‌های اصلاح الگوی مصرف، کارآفرینی و تولید داخلی (حمایت از تولید ملی)، درون‌زایی و برون‌گرایی بیشترین توجه معطوف شده و دیگر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی شامل: اقتصاد دانش‌بنیان، اصلاح ساختارها و نهادهای اقتصادی، شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد، اقتصاد عدالت بنیان و مؤلفه‌ی کاهش وابستگی به نفت و خام‌فروشی، مورد غفلت واقع شده‌اند. بازنگری و گنجاندن مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در محتوای کتاب‌های درسی و تضمین رابطه عمودی محتوای کتاب‌ها؛ از اقدامات ضروری برای برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی قلمداد شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تحلیل محتوا، کتاب‌های درسی و راهنمای معلم، مقطع دبستان، مقطع متوسطه اول.

مقدمه

اقتصادی بالایی برخوردار باشند (Faghihi, 2013). در ارتباط با ضرورت حاکمیت اقتصاد مقاومتی در تمامی شئون جامعه ایران؛ نام گذاری سال ۱۳۹۶ به عنوان "اقتصاد مقاومتی: تولید و اشتغال" دلیلی بر اهمیت و ضرورت این فرایند است؛ فرایندی که مطابق آن می‌بایست سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا به منظور تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله تدوین شده و در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای به گفتمانی فراگیر و رایج تبدیل شوند (Karimi, Safari Anarky, 2013). آموزش و پرورش و نهاد مدرسه در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی می‌توانند نقشی محوری ایفا نمایند (Fazlalizadeh, Barghi Sufi, 2017). نظام آموزش و پرورش می‌تواند از طریق ارتقاء آموزش، زمینه‌ساز افزایش سهم سرمایه انسانی در اقتصاد گردد و از طرف دیگر با محور قراردادن بهره‌وری و توانمندسازی نیروی کار، فراهم کردن زمینه اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف‌کالای داخلی، فعال‌سازی منابع و سرمایه‌های انسانی در جهت توسعه کارآفرینی، پیشبرد «اقتصاد دانش بنیان» و اجرای نقشه جامع علمی کشور و تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی مدد رساند (Arshadi, Nobakht, Esmailpour, Sani, Hoseinizadeh Yazdi, 2022). آموزش و پرورش به عنوان یکی از تأثیرگذارترین نهادها می‌تواند برای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی به ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی مبادرت نموده و با اصلاح و تغییر برنامه‌های درسی در این مسیر، گام بسیار مهمی را در این زمینه بردارد (Toghyani, 2017). اقتصاد مقاومتی مسأله‌ی اصلی حال حاضر نظام اسلامی در عرصه‌ی اقتصاد است (Moradi, Nasser, 2016). مرور سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز نشان می‌دهد که روح حاکم بر آن، فرهنگی است و بدون تحول فرهنگی و فقط با نگاه اقتصادی نباید نسبت به تحقق

در حال حاضر و در قالب جنگی ترکیبی؛ عرصه‌ی اقتصاد نیز به عنوان اهرمی برای فشار بر مردم ایران انتخاب شده و مقام رهبری نیز دشمن را در حال جنگ اقتصادی تمام‌عیار برای شکست و حذف انقلاب اسلامی از موازنه جهانی و تبدیل انقلاب اسلامی به یک پدیده منفعل در مقابل غرب معرفی نموده (Yousefi Moghadam, 2021) که از زمستان سال ۱۳۹۰ به یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی تبدیل شده است (Samadzadeh, 2012, p.13). در سال‌های اخیر با توجه به مشکلات اقتصادی و تحریم‌های ظالمانه، مفهوم اقتصاد مقاومتی در ادبیات کشور ظهور پیدا کرده است. اقتصاد مقاومتی به تشخیص حوزه‌های فشار و تحریم و پیرو آن تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن؛ و تبدیل به فرصت اشاره دارد (Pouraisi, 2012). اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی و تأکید بر مزیت‌های تولید و تلاش برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی، مجموعه تدابیر و راهکارهایی است که برای پیشبرد امور اقتصادی در شرایط مقاومت و در تمامی زمینه‌های اقتصادی است (Azimi, 2013). اقتصاد مقاومتی راه حلی کوتاه‌مدت برای مقابله با تحریم‌ها نیست؛ اقتصاد مقاومتی مردم‌نهاد و درون‌زا (Bakhtiari, 2021) و اقتصادی دانش بنیان است که با تکیه بر ظرفیت‌های پایدار اقتصادی در داخل کشور؛ علاوه بر تعامل با اقتصادهای جهان، کشور را در برابر تکان‌های جهانی اقتصادی محافظت کند (Sheriff, Emrai, 2012). اقتصاد مقاومتی چگونگی تاب‌آوری در برابر تهدیدهای به وجود آمده را افزایش داده تا کمترین خسارت‌ها را متحمل شوند (Ansari, 2015). مقاوم‌سازی اقتصاد پدیده‌ای جدید نیست و تجربه‌هایی از این مقاوم‌سازی در کشورهای مختلف وجود دارد. کشورهایی چون آمریکا، انگلیس، چین، فرانسه، هند، آلمان و کره جنوبی هم توانسته‌اند با به کارگیری اقتصاد مقاومتی و تکیه بر تولیدات داخلی و صادرات، در برابر مشکلات و بحران‌های مالی؛ مقومت نموده و از رشد

تواند بر این مهم اثرگذار باشد؛ چنانچه سورانتو و همکاران (Suratno, Narmaditya, Wibowo, 2021) در پژوهش خود گزارش نمودند که آموزش اقتصادی از طریق خانواده و گروه همسالان با میزان سواد اقتصادی یادگیرنده‌ها ارتباطی مستقیم دارد.

نتایج تحقیقات نشان از ناکافی بودن اقدامات انجام گرفته در این ارتباط در سطح نظام آموزش و پرورش ایران است؛ چنانچه ربیعی (Rabiei, Mohebbi, Amin, 2009) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش دانش اقتصادی دانش آموزان» نشان داده است که ۷۴٪ دانش آموزان شاخه‌ی متوسطه‌ی نظری (پایه اول تا پیش دانشگاهی) شهر تهران از دانش پایه و به روز اقتصادی برخوردار نبوده و دانش آموزان پایه‌ی اول متوسطه از دانش اقتصادی کمتری نسبت به سایر پایه‌ها برخوردار بوده‌اند. رضایی (Rezaei, 2017) نیز با نقد نگاه آموزش و پرورش کشور عقیده دارد که دانش آموزان در مدرسه با اصطلاحات اقتصادی آشنا نشده و نمی‌توان از آن‌ها توقع داشت که نگاه اقتصادی مورد نیاز را در سطح زندگی داشته باشند. این در حالی است که انواع کار، بهره‌وری، اسراف، تولید ملی و تولید داخلی از مباحثی است که در آموزش و پرورش کشورهای پیشرفته جایگاه ویژه‌ای دارد. ابراهیمی هرسستانی و همکاران (Ebrahimi, Rezapour, Toghiani, 2017) نیز در تحقیق خود با عنوان «وضعیت فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی در کتب درسی دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول» اعلام داشتند که علیرغم اهمیت موضوع، در مجموع کتب بررسی شده که شامل ۷۸۳ صفحه بوده است؛ تنها در ۱۵۵ صفحه به فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی توجه شده که این میزان برابر با ۱/۹۷ درصد از کل کتاب‌های بررسی بوده و دلالت بر عدم توجه به اقتصاد مقاومتی در کتاب‌های درسی است.

نتایج تحقیق علیپور و سایر همکاران (AliPour, Nateghi, Faghihi, 2017) در مورد تحلیل کتاب‌های دوره ابتدایی و در راستای تأکید بر مولفه‌های

اهداف سیاست‌های مذکور امید داشت (Samadzadeh, 2012, p.13). تأکید بر «روحیه مشارکت و کار جمعی»، «سبک زندگی و الگوی مصرف اسلامی»، «گفتمان سازی»، «کارآفرینی و مهارت»، و «خلاقیت و نوآوری» از جمله مواردی هستند که در این سیاست‌ها به طور شفاف به آن‌ها اشاره شده است؛ مواردی که پرورش و نهادینه سازی آن‌ها در محدوده وظایف آموزش و پرورش قرار می‌گیرد (saiflo, 2014). سرخه‌دهی (Sorkhadehi, 2017) اقتصاد مقاومتی را در قالب معنایی «مقاوم سازی جامعه»، رکنی می‌داند که باید در برنامه‌های درسی پنهان و آشکار وجود داشته باشد. میلر (Miller, 1998) هم معتقد است که سواد اقتصادی یکی از جوانب ضروری آموزش عمومی برای شهروندان است. به زعم او؛ مفاهیم اقتصادی را باید در برنامه درسی و تجارب معمولی یادگیری دانش آموزان قرار داد. از نگاه میلر؛ مهم‌ترین شیوه قراردادن اقتصاد در برنامه درسی، تلفیق و درهم تنیدن موضوع‌های اقتصادی با دیگر حوزه‌های محتوایی است؛ زیرا این شیوه باعث یادگیری همه جانبه و منسجم در دانش آموزان می‌شود. ساندرز و همکاران (Saunders, 2003) برنامه‌ی درسی اقتصادی مطلوب را برنامه‌ای می‌دانند که به درک دانش آموزان درباره این که چگونه مفاهیم اساسی اقتصاد با هم مرتبط می‌شوند، کمک نماید؛ زیرا چنین درکی دانش آموزان را قادر خواهد ساخت که درباره مسائل اقتصادی در دنیای واقعی بحث کنند و مانند بزرگسالان با این مسائل برخورد نمایند؛ و این برنامه باید ایجادگر دانش پایه، مهارت‌ها، نگرش‌ها و عادت‌های درست در فراگیران به منظور تبدیل آنان به شهروندان مطلوب و پرورش روحیه مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی در آن‌ها باشد (Cameron, 2013). آماده سازی دانش آموزان برای زندگی و فراهم آوردن فرصت آموزش‌های بالاتر در آنان برای بازآوردن افراد آگاه به مسائل اقتصادی کشور خود و کشورهای دیگر نیز از دیگر نکات مورد تأکید محققان است (Whitaker, 2013) و آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم می

متوسطه اول در زمینه اقتصاد مقاومتی و مؤلفه های آن وجود دارد؛ و از آن جایی که آموزش و پرورش نقش اساسی در توسعه دانش، انتقال ارزش‌ها و اصلاح رفتارهای مربوطه دارد و در این راستا مهم ترین ابزار، انتقال آموزه های کتاب های درسی هستند؛ پژوهش حاضر باهدف بررسی میزان توجه به مباحث و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی در کتاب های درسی و راهنمای معلم مقاطع ابتدایی و متوسطه اول انجام گردید. از طریق این پژوهش تلاش شد تا ضمن بررسی مؤلفه های اقتصاد مقاومتی در کتاب های راهنما و کتاب های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول، رهنمودهایی برای بهبود وضعیت برنامه درسی در راستای توسعه روحیه اقتصاد مقاومتی برای شهروندان جمهوری اسلامی حاصل شود.

روش پژوهش

این پژوهش از جهت هدف کاربردی است. هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص و در جهت به کار بردن عملی دانش است (Sarmad, Bazargan, Hijazi, 2007). روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، تحلیل محتوا (content analysis) بود. تحلیل محتوا، یکی از مهم ترین و پرکاربردترین روش های پژوهش در علوم اجتماعی و سایر رشته های علوم انسانی از جمله علوم تربیتی است (Krippendorff, 2000). تحلیل محتوا یک روش منظم برای توصیف عینی و کمی محتوای کتاب ها و متون برنامه درسی و مقایسه پیام ها و ساختار محتوا با اهداف برنامه درسی بیان شده است (Yar Mohammadian, 2007). تحلیل محتوا به دو صورت کمی و کیفی انجام می گیرد. در این پژوهش از تحلیل محتوای کمی استفاده شده است. کرلینجر (2005) تحلیل محتوای کمی را شیوه نظام مند، عینی و کمی برای اندازه گیری متغیرها (شاخص تحقیقات کمی) و تجزیه و تحلیل آن ها معرفی کرده است. بر این اساس، تحلیل محتوای کمی باید از چهار ویژگی عینی بودن، منظم بودن، آشکار بودن و کمی بودن برخوردار باشد (Iman and

تربیت اقتصادی نیز نشان داد که تنها به برخی از مولفه های تربیت اقتصادی مطلوب دوره ی ابتدایی توجه شده است. به زعم فرهادی (Farhadi Mojdeh, 2017) در حوزه تدوین متن درسی که اولویت دوم مسئله آموزش اقتصاد مقاومتی است؛ اقدام قابل ملاحظه ای رخ نداده و از سال ۱۳۹۲ که سیاست های اقتصادی ابلاغ شده است؛ حتی یک کلمه از کتاب های درسی هم تغییر داده نشده است. کتاب های درسی از بهترین مراجعی است که مفاهیم و پیام های مختلف، مانند مفاهیم اسراف، کارآفرینی، کارکردن را به نسل های آینده منتقل می کند. این محتوا می تواند در دوره آموزش عمومی (ابتدایی و راهنمایی) به دلیل شکل گیری شخصیت دانش آموزان تأثیری بیشتر بر جای گذارد. برای دوره ابتدایی و متوسطه اول اهداف اعتقادی، اخلاقی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متعددی توسط سیاست گذاران آموزش مطرح شده است که در برخی از این اهداف، توجه به موضوع اسراف، کارآفرینی و اقتصاد مقاومتی و دیگر مؤلفه های آن، می تواند بستر خوبی برای تأمین اهداف مذکور و زمینه سازی رشد دانش آموزان باشد. از لحاظ نگرشی؛ شخص دارای سواد اقتصادی باید دید واقع بینانه و منصفانه ای از علم اقتصاد و کاربردهای آن داشته باشد. صرفه جویی در مصرف آب و برق، انرژی، به کارگیری شیوه های حفاظت از محیط زیست، داشتن مهارت هایی برای حفظ سلامتی خود و دیگران، به کارگیری مهارت های آموخته شده در زندگی، جلوگیری از آلودگی رودخانه ها، جنگل ها، دریاها، جلوگیری از مصرف سوخت های فسیلی، استفاده از انرژی های پاک و ارزان و تشویق و ترغیب دیگران به همه این امور، از مشخصات یک شخص با سواد اقتصادی است (Badrian, 2016). همه ی این عوامل از نشانه ها و آثار اقتصاد مقاومتی می باشند که ضروری است در کتاب های درسی به صورت جدی تری به آن پرداخته شود. با این وصف، به نظر می آید که خلاء پژوهشی در خصوص محتوای کتاب های راهنمای معلم و کتاب های درسی مقاطع ابتدایی و

کدگذاری ۱۱- انجام کدگذاری ۱۲- ارائه گزارش به متخصصان موضوعی به‌منظور کفایت بخشی اجماعی ۱۳- تدوین گزارش نهایی.

قلمرو این پژوهش، کتاب‌های راهنمای معلم و کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول بود. در این پژوهش تمام محتوای کتب به‌صورت تمام شماری موردبررسی قرار گرفت. جهت تحلیل محتوا در این پژوهش از کاربرد کدگذاری استفاده شد. مولفه‌های اقتصاد مقاومتی با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری استخراج و مشتمل بر موارد نه گانه تلقی شد: (۱) اصلاح الگوی مصرف، (۲) اقتصاد دانش‌بنیان، (۳) کارآفرینی و تولید، (۴) تولید داخلی (حمایت از تولید ملی)، (۵) اصلاح ساختارها و نهادهای اقتصادی، (۶) درون‌زایی و برون‌گرایی: درون‌زایی در اقتصاد مقاومتی بهره‌برداری حداکثری و بهره‌وری بالا از ظرفیت‌ها و مزیت‌های درونی اقتصاد ایران و برون‌گرایی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های موجود در جهان خارج به‌منظور پیشبرد اهداف است (۷) شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد، (۸) اقتصاد عدالت‌بنیان و (۹) کاهش وابستگی به نفت و خام‌فروشی. پژوهشگران برای هر یک از مؤلفه‌های مذکور، مؤلفه‌ها یا مقوله‌های فرعی را با توجه به بنیان‌های نظری و مطالعات پیشین و داوری دو نفر از متخصصان برنامه درسی معین نمودند. سپس جهت روایی محتوایی مقوله‌های اصلی و فرعی، سیاهه‌ای تدوین و در اختیار سه نفر از متخصصان اقتصاد اسلامی (با شرایط حداقل دانشجوی دکتری تخصصی اقتصاد اسلامی که قبولی در آزمون جامع را داشته و در مرحله انجام رساله دکتری باشد) قرار گرفت و بعد از جمع‌آوری و بررسی نظرات، روایی محتوایی بر اساس داوری تخصصی (Professional Judgement) به‌اتفاق آراء تأیید و جدول جهت تحلیل محتوای اسناد فرادست، تدوین گردید. نمونه‌ای از فرایند کدگذاری در قالب یک کتاب درسی از پایه نهم در جدول (۲) ارائه شده است.

(Noushadi, 2011). گال و همکاران (2005) تحلیل محتوا در پژوهش کمی را به‌عنوان «یک فن پژوهشی برای توصیف عینی، نظام‌دار و کمی ظاهر محتوای رسانه ارتباطی» تعریف کرده‌اند. با توجه به تعریف فوق در این پژوهش منظور از تحلیل محتوا؛ توصیف عینی، نظام‌دار و کمی محتوای کتاب‌ها به‌منظور تفسیر نتایج داده‌های آن است. به عقیده سیلر (1978) برای انجام تحلیل محتوا، شناسایی اسناد مورد تحلیل (در اینجا کتاب‌های راهنمای معلم و کتاب‌های درسی)، مشخص کردن سؤال، تدوین یک روش مقوله‌بندی، انجام تحلیل محتوا به‌صورت شمارش فراوانی هر مقوله و تفسیر نتایج، موردتوجه است. در این پژوهش واحد زمینه پاراگراف بوده است. واحد ثبت مضمون هر پاراگراف است. کدگذاری از طریق کدگذاری قیاسی (deductive coding) انجام شد. این نوع کدگذاری از طریق ملاحظه مکرر داده‌ها و تعبیه قالب‌ها صورت نمی‌گیرد، بلکه با کاربرد منطق قبل بدین هدف حاصل می‌شود. بر این اساس است که این نوع کدگذاری را قیاسی و منطبق با الگوهای منطقی می‌خوانند. از طریق این روش، قالب‌های از پیش آماده‌شده‌ای را می‌توان به‌منظور آزمون فرضیه‌ها به کار گرفت (Sarukhani, 2009). فرآیند انجام این مطالعه شامل مراحل زیر است:

- ۱- شناسایی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از طریق مطالعه پیشینه، مصاحبه با متخصصان دینی، کارشناسان اقتصادی و متخصصان علوم تربیتی و برنامه‌ریزی درسی ۲- شناسایی تجارب نظام‌های آموزشی در مواجهه با اقتصاد مقاومتی یا توسعه اقتصادی ۳- تبدیل مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی به ریز مؤلفه‌ها (مؤلفه‌های فرعی) ۴- به داوری گذاشتن مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و تأیید آن مؤلفه‌ها از سوی داوران ۵- شناسایی منابع و قلمرو پژوهش ۶- تعیین واحدهای زمینه و ثبت و کدگذاری و فراوانی داده‌ها ۷- تهیه و تنظیم کاربرد کدگذاری ۸- به داوری گذاشتن کاربرد تنظیم‌شده ۹- اجرای مقدماتی (آزمایشی) کدگذاری ۱۰- استفاده از کدگذار دوم به‌منظور تعیین ثبات

جدول (۲). نمونه ای از تحلیل کتاب مطالعات اجتماعی پایه ی نهم

مؤلفه اصلی	ریزمؤلفه	دروس	تعداد پاراگراف ها
اصلاح الگوی مصرف	پرهیز و کاهش اسراف	درس ۱۷، فرهنگ درس ۲۴: اقتصاد و بهره وری درس ۲۳: بهره وری چیست؟	* * *
	عدم تبذیر	-	-
	پرهیز از اتلاف	-	-
	میانه روی (اعتدال)	درس ۲۳: بهره وری چیست؟	*
	پرهیز از تجمل گرایی و مصرف گرایی	-	-
	پرهیز از چشم و هم چشمی، ساده زیستی، قناعت	-	-
	عدم اقتار	-	-
	ترویج فرهنگ بهره وری	درس ۲۴: اقتصاد و بهره وری درس ۲۳: بهره وری چیست؟	***** *****

پرداخته است. توزیع این میزان توجه در کتاب‌های مختلف موضوعی راهنمای معلم نشان داد که در کتاب قرآن پایه‌های اول دبستان تا نهم متوسطه، به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به میزان (۹۱٪ درصد)، در کتاب‌های راهنمای معلم علوم تجربی به میزان (۲/۰۱ درصد)، در کتاب‌های راهنمای معلم فارسی به میزان (۱/۷۳ درصد)، در کتاب‌های راهنمای معلم هدیه‌های آسمانی به میزان (۵۳٪ درصد)، در کتاب‌های راهنمای معلم مطالعات اجتماعی به میزان (۳/۰۴ درصد)، در کتاب‌های راهنمای معلم کار و فناوری به میزان (۹۷٪ درصد) توجه شده است. علاوه بر این در کتاب‌های راهنمای معلم دروس ریاضی، عربی، زبان انگلیسی، آمادگی دفاعی، تفکر و سبک زندگی، فرهنگ و هنر و تربیت بدنی به هیچ‌یک از مؤلفه‌ها مورد نظر در کتاب‌های مذکور توجه نشده است. همچنین نتایج نشان داد که در کتاب‌های راهنمای معلم مطالعات اجتماعی به مؤلفه‌های مورد نظر با (۳/۰۴ درصد) بیشترین مقدار توجه و در کتاب‌های راهنمای معلم هدیه‌های آسمانی با (۵۳٪ درصد) کمترین مقدار توجه صورت گرفته

پایایی (reliability) فرایند کدگذاری از طریق بررسی ثبات در فرایند و از طریق کدگذار دوم و برای حداقل بیست در صد موارد کدگذاری برابر با ۹۶٪ حاصل شد. برای توصیف میزان توجه اسناد فرادست به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، از شیوه‌های توصیف آماری مانند فراوانی، درصد و نمودار و برای بررسی تفاوت فراوانی مضامین معطوف به مؤلفه‌های مورد بررسی، از آزمون خی دو بهره‌گیری شد.

یافته‌های پژوهش

سؤال ۱: میزان توجه کتاب‌های راهنمای معلم نظام جمهوری اسلامی ایران به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی چگونه است؟

یافته نشان داد که میزان توجه کلی کتاب‌های راهنمای معلم به مولفه‌های نه گانه مورد بررسی به میزان ۲۹۹۸۷ بوده است؛ چنانچه از کل واحدهای زمینه در صفحات مورد بررسی کتاب‌های راهنمای معلم (پاراگراف‌ها)، تنها ۳۰۳ پاراگراف (۹/۱۹ درصد) به مفهوم‌پردازی و ترویج مهارت‌های اقتصاد مقاومتی

است. این در حالی است که در کتاب‌های راهنمای معلم دروس ریاضی، عربی، زبان انگلیسی، آمادگی دفاعی، تفکر و سبک زندگی، فرهنگ و هنر و تربیت‌بدنی به هیچ‌یک از مؤلفه‌ها موردنظر توجه نشده است (نمودار ۱). علاوه بر این نتایج نشان داد که در کتاب‌های راهنمای معلم به مؤلفه‌ی کارآفرینی و تولید با بیشترین میزان توجه و به مؤلفه‌ی درون‌زایی و برون‌گرایی کمترین میزان توجه صورت گرفته است و به دیگر مؤلفه‌ها شامل: (اقتصاد دانش‌بنیان، اصلاح ساختارها و نهادهای اقتصادی، شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد، اقتصاد عدالت بنیان، کاهش وابستگی به نفت و خام فروشی) در کتاب‌های مذکور هیچ توجهی نشده است.

سؤال ۲: میزان توجه کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول نظام جمهوری اسلامی ایران به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی چگونه است؟

یافته نشان داد که میزان توجه کلی کتاب‌های درسی به مؤلفه‌های نه گانه مورد بررسی به میزان ۳۰۴۵۴ بوده است؛ چنانچه از کل واحدهای زمینه در صفحات مورد بررسی کتاب‌های درسی (پاراگراف‌ها)، تنها ۱۴۰ پاراگراف (۵/۹۳ درصد) به مفهوم‌پردازی و ترویج مهارت‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته است. توزیع این میزان توجه در کتاب‌های مختلف موضوعی درسی نشان داد که در کتاب‌های درسی قرآن پایه‌های اول دبستان تا نهم متوسطه، به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به میزان (۱۴/۰ درصد)، در کتاب‌های درسی تفکر و سبک زندگی به میزان (۲/۷۶ درصد)، در کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی به میزان (۵۶/۰ درصد)، در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی به میزان (۱/۵۹ درصد)، در کتاب‌های درسی کار و فناوری به میزان (۸۸/۰ درصد) توجه شده است. علاوه بر این در کتاب‌های دروس ریاضی، عربی، زبان انگلیسی، آمادگی دفاعی، تفکر و پژوهش، فرهنگ و هنر و فارسی (مهارت‌های خوانداری و نوشتاری) به هیچ‌یک از مؤلفه‌ها موردنظر در کتاب‌های مذکور توجه نشده است. همچنین نتایج نشان داد که در کتاب‌های درسی تفکر و

سبک زندگی به مؤلفه‌های موردنظر با (۲/۷۶ درصد) بیشترین مقدار توجه و در کتاب‌های درسی قرآن با (۱۴/۰ درصد) کمترین مقدار توجه صورت گرفته است. این در حالی است که در کتاب‌های دروس ریاضی، عربی، زبان انگلیسی، آمادگی دفاعی، تفکر و پژوهش، فرهنگ و هنر و فارسی (مهارت‌های خوانداری و نوشتاری) به هیچ‌یک از مؤلفه‌ها موردنظر مذکور توجه نشده است (نمودار ۲). علاوه بر این نتایج نشان داد که در کتاب‌های درسی به مؤلفه‌ی کارآفرینی و تولید بیشترین میزان توجه و به مؤلفه‌ی درون‌زایی و برون‌گرایی کمترین میزان توجه صورت گرفته است و به مؤلفه‌های (اقتصاد دانش‌بنیان، اصلاح ساختارها و نهادهای اقتصادی، شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد، اقتصاد عدالت بنیان، کاهش وابستگی به نفت و خام فروشی) در کتاب‌های مذکور هیچ توجهی نشده است.

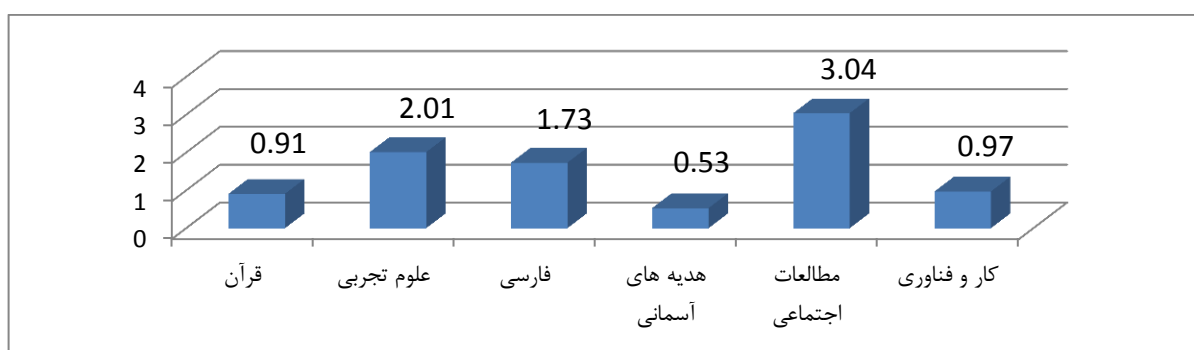
برای بررسی تبعیت میزان توجه کتاب‌های درسی در پایه‌های تحصیلی بر اساس الگویی مورد انتظار و بایسته به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی؛ از شش نفر متخصص موضوعی خواسته شد که میزان مطلوب و مورد انتظار برای وجود مؤلفه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی در برنامه درسی مقطع را ارائه نمایند. جدول زیر مقایسه فراوانی مشاهده شده با فراوانی مورد انتظار بر اساس نگاه تخصصی را نشان می‌دهد:

نظر به رعایت مفروضه‌های آزمون آماری مجذور کا برای مقایسه فراوانی‌های مشاهده شده با مورد انتظار، طبقات پایه‌های تحصیلی اول تا چهارم با هم تلفیق شد. نتایج آزمون آماری نشان داد که تفاوت معناداری میان فراوانی‌های مشاهده شده در پایه‌ها با انتظارات مشخص وجود دارد ($\chi^2 = ۸۲/۴۵$ ، $df = ۵$ ، و $P < ۰/۰۰۱$).

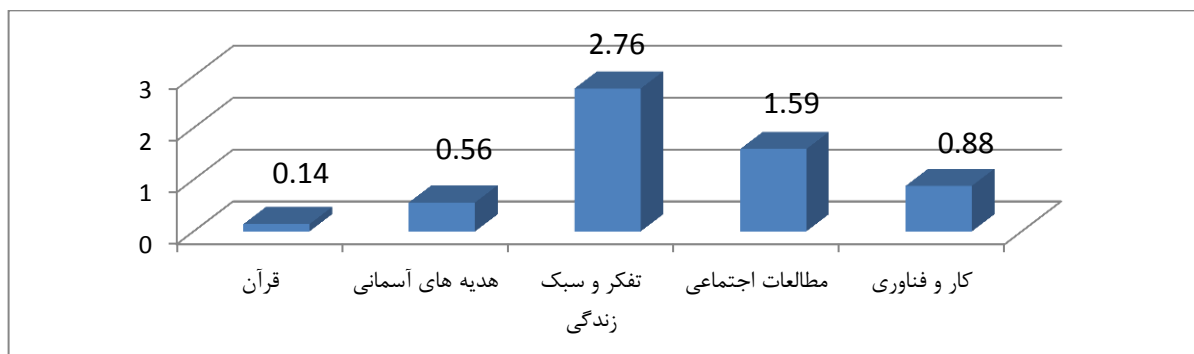
نمودارهای (۱) و (۲) نمایش دهنده میزان توجه کتاب‌های مختلف درسی و راهنمای معلم به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی هستند.

جدول (۳). مقایسه فراوانی های مشاهده شده مقوله های اقتصاد مقاومتی با فراوانی های مورد انتظار

فراوانی مورد انتظار	فراوانی مورد مشاهده	پایه تحصیلی
۵۸,۶	۸	پایه ی اول تا چهارم
۱۶,۶	۱۲	پنجم
۲۰,۱	۴۱	ششم
۲۳,۶	۳۰	هفتم
۲۸	۴۱	هشتم
۲۸	۴۳	نهم
	۱۷۵	جمع کل



نمودار (۱): میزان توجه تمامی کتاب‌های راهنمای معلم (اول دبستان تا نهم متوسطه) به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی



نمودار (۲): میزان توجه تمامی کتاب‌های درسی (اول دبستان تا نهم متوسطه) به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در کلیه زمینه‌ها و سطوح تبدیل شده است. آموزش و پرورش به‌عنوان اساس و زیربنای توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه‌ای قلمداد می‌شود و می‌توان آن را صنعت رشد دانست. نظام آموزشی از طریق برنامه‌های درسی تأثیر مستقیمی بر زمینه‌های گوناگون می‌گذارد. تحقق اقتصاد مقاومتی مستلزم تغییر در نگرش‌ها، باورها و به‌طور کلی فرهنگ عمومی است و آموزش و پرورش نقش اساسی در توسعه

بر اساس آنچه در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت می‌توان بیان کرد که اقتصاد مقاومتی همواره یکی از دغدغه‌های کشورهای جهان است. جمهوری اسلامی ایران که به دلیل داشتن منابع انسانی، مالی و طبیعی، از دیرباز مورد طمع کشورهای غربی و منفعت طلب بوده است، تحت تحریم‌های سخت و خصمانه قرار گرفته و لزوم مقابله با آن به یک ضرورت همگانی (دولت و ملت)

ابعاد موضوع و نتایج پژوهش‌های مرتبط به همراه بهره‌مندی از تخصص‌های مختلف می‌تواند از پرداخت غیر مؤثر به موضوع، تکرار بی‌هوده مطالب بعضاً غیر مستدل و حتی ناسازگار با واقعیت جلوگیری کند. برای نمونه، موضوع اسراف بیشترین فراوانی از عبارات مرتبط با الگوی مصرف را در کتاب‌های درسی به خود اختصاص داده است که مذموم بودن آن نزد اکثریت مردم، امری کاملاً روشن و بدیهی می‌نماید اما مفهوم عملیاتی و مصادیق آن مبهم و به نوع نگرش و سطح دانش و چگونگی رفتار افراد بستگی دارد. کمبود دانش مصرفی می‌تواند از توفیق مطلوب سیاست‌های معطوف به اصلاح الگوی مصرف و گسترش کاربرد راهبردهای مبتنی بر صیانت و کارایی در استفاده از منابع ممانعت کند و در چنین شرایطی تکرار نکوهیده بودن اسراف و تبذیر اگر بی‌فایده نباشد، کم‌فایده است. تجربه جهانی، نشان از اهمیت برنامه‌های آموزشی به‌عنوان شیوه‌ای که هزینه و با تأثیری بلندمدت برای صیانت از منابع دارد و به همین سبب آموزش نحوه و سبک مصرف به‌عنوان مبنایی برای صرفه‌جویی در مصرف، ابراز رفتاری کارآ و ایجاد گرایش‌های اجتماعی هم‌راستا با توسعه کشور اهمیت دارد. توسعه سواد مصرفی با مفهومی فراتر از دانش، تبیین معنای عدالت بین نسلی، پیامدهای سطح پایین بهره‌وری و رشد تولید، تبعات رشد سریع مصرف نسبت به تولید، عوارض تداوم وابستگی تولید به واردات وابسته به درآمدهای نفت و گاز، سرانجام فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و تداوم الگوی فعلی تولید و واردات، تقویت احساس مسئولیت، تشویق به ابراز حساسیت نسبت به اتلاف منابع عمومی و گرایش به عدالت در مصرف از مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها و اندیشه‌های پشتوانه توسعه کشور هستند که می‌توانند در کتاب‌های درسی مورد توجه فزون‌تری قرار بگیرند. علاوه بر آگاهی از نتایج پژوهش‌های مرتبط، استفاده از مبانی نظری استواری مانند اندیشه توسعه پایدار می‌تواند کمک قابل توجهی به برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی کرده و پوشش نظری جامعی از مجموعه ارکان و

دانش، انتقال ارزش‌ها و اصلاح رفتارهای مربوطه دارد؛ چنانچه پیراس و همکاران (Piras, Righi, Banchelli, Giordano, Setti, 2023) در پژوهش خود بیان کردند که آموزش و پرورش نقشی اساسی برای مقابله با اتلاف غذا و مواد غذایی دارد.

در این راستا مهم‌ترین ابزار انتقال آموزه‌ها کتاب‌های درسی هستند که در این پژوهش میزان توجه کتاب‌های راهنمای معلم و کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول نظام جمهوری اسلامی ایران به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به‌درستی وارد محتوای کتاب‌های درسی مدارس مقاطع (اول دبستان تا نهم متوسطه) نشده است و بیشترین توجه به مؤلفه‌های اصلاح الگوی مصرف، کارآفرینی و تولید، تولید داخلی (حمایت از تولید ملی)، درون‌زایی و برون‌گرایی صورت گرفته است و دیگر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی شامل: اقتصاد دانش‌بنیان، اصلاح ساختارها و نهادهای اقتصادی، شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد، اقتصاد عدالت‌بنیان و مؤلفه‌ی کاهش وابستگی به نفت و خام‌فروشی، مغفول واقع شده‌اند؛ به عبارتی میزان پرداختن به این مؤلفه‌ها در محتوای کتاب‌های درسی این مقاطع (اول دبستان تا نهم متوسطه) بسیار کم و ناچیز بوده است و ارتباط عمودی بین کتاب‌های درسی وجود ندارد. به‌طور کلی نتایج این قسمت از مطالعه بر دو نکته عمده دلالت دارند؛ نخست اهمیت و جایگاه موضوع اقتصاد مقاومتی که پرداختن فزون‌تر در کتاب‌های درسی را می‌طلبد. نکته مهم‌تر از اندازه مطالب، چگونگی پرداختن به موضوع از جنبه پوشش آسیب‌های مربوطه و پرداختن به همگی ابعاد با رویکرد استدلالی و تبیین پیامدهاست. تبیین چگونگی تحقق اقتصاد مقاومتی، تشریح سازوکارهای مربوطه و تحلیل پیامدهای تداوم آن در آینده به‌مراتب کارسازتر از تکرار چندباره نامطلوب بودن وضعیت آن در کشور است. دسترسی و چیرگی بیشتر برنامه‌ریزان کتاب‌های درسی نسبت به مبانی نظری و اطلاعات دقیق و کافی پیرامون

برمی‌خوریم، به این دلیل است که از دل تجربه کاری بیرون نیامده‌اند و در بخش «منطق آزادا» اوضاع مناطق آزاد ایران را تحلیل می‌کند و از نقش کمرنگ بومی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی می‌گوید. امیرخانی در بخش آخر کتاب با عنوان «مقصر، مدیر سه‌تی نیست» می‌نویسد: «جوان ایرانی بایستی بیاموزد که نه فقط برای نفع شخصی که برای اعتلای کشورش نباید چشم‌پلمع به نفت داشته‌باشد. جوان ایرانی بایستی بیاموزد که ... نفت به امانت دست ماست.» می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از مدل اقتصاد نفتی بر ابعاد مصرف و رفتار شهروندان و باورهای آنان در سطح ملی اثر گذاشته و کتاب‌های درسی باید به ارائه مفاهیم مرتبط با اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن در قالب اسوه‌ها از قوت بیشتری برخوردار شوند. برنامه‌های درسی باید با محتوایی به‌روز که نیازهای بازار را در سطح ملی و جهانی لحاظ کند در اولویت باشند و این محتوا باید تا اندازه‌ای به مطالعات تطبیقی کشورها نیز در حوزه اقتصاد بپردازد. نسل آتی استانداردهای آموزش‌های معطوف به تحقق اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن را باید در برگیرند که نه تنها دانش اقتصادی بلکه درک اهمیت دانش عملی، مهارت‌های تصمیم‌گیری، قضاوت‌های ارزشی، اخلاقی و ابعاد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری در زمینه اقتصاد مقاومتی را نیز داشته باشند؛ بنابراین تأکید می‌شود که به برنامه‌های آموزشی پیشرفته در زمینه اقتصاد مقاومتی نیاز وجود دارد تا در نظام آموزش عمومی پیاده شوند و عناوین موضوعی گسترده‌تری را در زمینه اقتصاد مقاومتی و مرتبط با رویدادهای اخیر (از قبیل پیامدهای ناشی از افزایش تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت، مصرف‌گرایی) و ابعاد عملی را پوشش دهد. در چنین شرایطی است که می‌توان به تحقق سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش مبنی بر ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به‌مثابه مهم‌ترین نهاد مولد سرمایه اجتماعی و تربیت انسان‌های مسؤولیت‌پذیر، خلاق و نوآور، کارآفرین، قانون‌گرا، عدالت‌خواه، خردورز، جمع‌گرا، خودباور و

عناصر مرتبط با تحقق اقتصاد مقاومتی را فراهم سازد. توسعه پایدار، ارزیابی هم‌زمان تراز اجتماعی-اقتصادی را در کنار تراز سیستم‌های طبیعی خواستار می‌شود (Tarahami, Bazzazan, 2019). پژوهش و نیازسنجی، نخستین مرحله از مراحل هشت‌گانه فرآیند تولید برنامه درسی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی در کشور است که تدارک پشتوانه نظری و بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی، ناظر به همین مرحله است؛ بنابراین توجه بیشتر برنامه‌ریزان درسی به موضوع اقتصاد مقاومتی به همراه مراجعه به اطلاعات متقن و مستند توصیه می‌شود. برنامه‌ریزان درسی باید دیدگاه‌های ملی و جهانی، آثار تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی، پیامدهای غیرمستقیم محیطی، روابط میان محیط‌زیست ملی و جهانی و ملاحظات اقتصادی و سیاسی مربوط به اقتصاد مقاومتی را در برنامه‌های درسی بگنجانند. برنامه‌های درسی در زمینه اقتصاد مقاومتی باید در دسترس و عملیاتی، بر پایه تحقیق، تجربی، گیرا و برخوردار از توانایی حل مشکلات ملی بوده و آموزه‌هایی مشخص را به دانش‌آموز ارائه کنند تا بتواند در زندگی خود و خانواده‌اش به کار بگیرد. برنامه‌های درسی باید دربرگیرنده اسوه‌هایی همچون: امام خمینی، مقام معظم رهبری، شهید رجایی، شهید عبدالحسین دستغیب، شهید مطهری، طالبوف تبریزی، مهاتما گاندی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر و بهلول گنابادی (بر ساده زیستی، پرهیز از اسراف و حمایت از تولید ملی تأکید داشتند) باشد.

با تکیه بر آثار امیرخانی (برای مثال در کتاب نفحات نفت ۲۰۱۵: جستاری در فرهنگ نفتی و مدیریت دولتی در پی معرفی پدیده‌ای به نام مدیریت نفتی است که در تمام جنبه‌های زندگی مملکت ایران آثار مخرب خود را بر جای گذاشته است، از ورزش بگیرد تا سیاست و فرهنگ. نویسنده در این کتاب جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی در ایران را مورد کاوش قرار می‌دهد. مثلاً در بخشی از کتاب که عنوان «قانان» بر خود دارد، می‌نویسد: اگر گاهی ما با قانون‌های کاری‌مان به مشکل

دوره، موقعیت مناسبی ایجاد شده است. نتایج پژوهش نیز می‌تواند زمینه‌ای را برای بررسی و بازنگری محتوای کتاب‌های درسی فراهم کند تا دست‌اندرکاران تألیف کتاب‌های درسی با مرور نتایج به‌دست‌آمده به زمینه‌های موجود و احیاناً غفلت‌های انجام‌شده بیشتر واقف شوند و در بازنگری‌های پیوسته برنامه‌های درسی و پشتیبانی آن‌ها در نظام آموزشی کشور به اصلاح، ترمیم و تکمیل مطالب کتاب‌های درسی بپردازند.

۲- در مورد برخی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی شامل: مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان، اصلاح ساختارها و نهادهای اقتصادی، شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد، اقتصاد عدالت‌بنیان، کاهش وابستگی به نفت و خام فروشی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که به این مؤلفه‌ها در محتوای کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول هیچ توجهی نشده است؛ براین اساس به برنامه ریزان و متخصصان درسی و آموزشی و سازمان تدوین کتب درسی پیشنهاد می‌شود که مطالبی را مرتبط با این مفاهیم و مؤلفه‌ها در کتب درسی ارائه دهند.

۳- نتایج پژوهش نشان داد که به برخی از مؤلفه‌ها (تولید ملی و حمایت از تولید داخلی، درون‌زایی و برون‌گرایی) کمترین توجه شده است، بنابراین به مؤلفان برنامه‌های درسی توصیه می‌شود تا به این مؤلفه و آثار و پیامدهای آن توجه بیشتری داشته باشند.

۴- با توجه به این‌که در برخی از کتاب‌های موردبررسی (تعلیمات اجتماعی)، زمینه پرداختن به مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با اقتصاد مقاومتی وجود داشته ولی چنانچه باید از این زمینه‌ها استفاده نشده است؛ بنابراین به مؤلفان توصیه می‌شود با گنجاندن مطالب بیشتر در خصوص مفاهیم مرتبط با اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن در تمرین‌ها و فعالیت‌های این کتاب (تعلیمات اجتماعی) بر رسالت خود در انتقال این مباحث از طریق این کتاب‌ها موفق‌تر باشند.

۵- نتایج پژوهش نشان داد که در برخی از کتاب‌ها (ریاضی، آمادگی دفاعی، تفکر و پژوهش، عربی) به

ایثارگر نزدیک‌تر شد. با توجه به اصول سازمان‌دهی برنامه درسی نیز می‌توان کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول را مورد ارزیابی قرارداد. در سازمان‌دهی عمودی انتظار می‌رود تجربیات یادگیری به‌صورت تسلسلی و مرتبط با یکدیگر در پایه‌های مختلف ارائه شوند، به‌طوری‌که در پایه‌های بالاتر مطالب ارائه‌شده باید تکمیل‌کننده و کامل‌تر از محتوای ارائه‌شده در مقاطع پایین‌تر باشد. ولی نتایج این مطالعه نشان داد که برخی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به‌صورت نامنظم، در محتوای کتاب‌های پایه‌های تحصیلی توزیع شده‌اند. طبق نتایج پژوهش گنجاندن مفاهیم و مؤلفه‌های (اقتصاد مقاومتی) در کتب درسی و مقاطع مختلف تحصیلی متناسب با ویژگی‌ها و اقتضات گروه‌های سنی مختلف دانش‌آموزان از اقدامات ضروری برای برنامه ریزان و مؤلفان کتب درسی تلقی می‌شود. با این وصف، بازنگری و گنجاندن مفاهیم اقتصاد مقاومتی در کتاب‌های درسی و رابطه عمودی محتوای کتاب‌ها جهت بهبود وضعیت برنامه درسی و به‌تبع آن پرورش انسان‌هایی باروحيه مقاومتی در اقتصاد از اقدامات ضروری برای برنامه ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی قلمداد شده است. درنهایت، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد اجرایی زیر ارائه می‌گردد.

۱- نتایج تحقیق نشان داد که با توجه به ظرفیت‌های کتاب‌های درسی در زمینه اقتصاد مقاومتی توجه متعادل و مناسبی به این مؤلفه‌ها نشده است و از ظرفیت‌های کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه اول که می‌بایست زمینه‌ساز ایجاد و تحقق مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی باشد به نحو احسن استفاده نشده است. بر این اساس توصیه می‌شود که مؤلفه‌های پژوهش (مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی) مورد استفاده کارشناسان دفتر تألیف کتب درسی قرار گیرد تا هنگام نوشتن یا تغییر و اصلاح از آن استفاده کنند. در حال حاضر با توجه به تغییر در نظام آموزشی و تغییر دوره ابتدایی از پنج سال به شش سال و تغییر در کتاب‌های درسی این

- Amirkhani, R. (2015). Nafahat Naft, a search in oil culture and government management. Tehran: Afog, 229.
- Azimi, H. (2013). Dissemination circuits in Iran's economy. *Journal Management future research*, 3(10), 99-171
- Ansari, A. (2015). Evaluation of the components of modification of consumption and production patterns in the textbooks of the sixth and seventh bases, *Basij Strategic. Studies Journal*, 19(70), 159-188.
- AliPour, F, Nateghi, F, Faghihi, A. (2017). Analyzing the goals and content of the curriculum of elementary school in Iran based on the emphasis on the components of economic education. Ph.D dissertation Azad University of Arak Branch, 230.
- Ansari, A. (2015). Evaluation of the components of modification of consumption and production patterns in the textbooks of the sixth and seventh bases, *Basij Strategic. Studies Journal*, 63, 53-71.
- Badrian, A. (2016). The theoretical definition of chemical literacy from the point of view of university chemistry teachers and secondary school teachers. *14(54)*.7-31.
- Barghi, I, Fazlalizadeh Sufi, Sh.(2017). How to achieve the economic goals of secondary education through curriculum. The paper presented at the conference "Education and resistance economics". University of Tehran, 120-128.
- Bakhtiari, T.(2021). The Effect of resistance economy on amadi Naja's Cost Management. *Journal: Andisheh Amad*, 19, 75.
- Connelly, F. M. and clandinin, D.J (2006). Teachers as Curriculum planners. The Ontario institute For Studies in Education, Teachers College Columbia University.
- Cameron, j. (2013). Economic Sanctions International Policy and political economy at Work, Palgrave Macmillan. *International Journal of Quality & Reliability Management*, 19 (5), 23-508.

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی هیچ توجهی نشده است؛ بنابراین به مؤلفان پیشنهاد می‌شود تا با گنجانیدن مطالبی در خصوص مفاهیم مرتبط با اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن در این کتاب‌ها بر اساس ارتباط افقی بر رسالت خود در انتقال این مفاهیم به فراگیران موفق‌تر باشند.

۶- نتایج پژوهش نشان داد که اقتصاد مقاومتی زمانی با موفقیت تحقق می‌یابد که افراد جامعه از قابلیت‌های لازم برخوردار باشند و نظام آموزشی از طریق برنامه‌های درسی باید چنین هدفی را دنبال کند، چنین امری نیازمند معلمان آگاه و ماهری است که بتوانند روش‌هایی را به کارگیرند که هم دانش نظری و هم دانش عملی را در فراگیران رشد دهد از این رو به دست‌اندرکاران آموزش و پرورش توصیه می‌شود که به کمک آموزش‌های ضمن خدمت، اهمیت پرداختن به مفاهیم مرتبط با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را برای معلمان توضیح و تشریح کنند تا آن‌ها در فرصت‌ها و مناسبت‌های گوناگون برای دانش‌آموزان تبیین نمایند و این مباحث از حالت برنامه درسی مغفول خارج شوند.

۷- با توجه به نتایج پژوهش که نشان‌دهنده نبود ارتباط عمودی بین کتاب‌های درسی از نظر توجه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ به دست‌اندرکاران گروه برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی توصیه می‌شود تا نسبت به اصلاح محتوای کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول از حیث سازمان‌دهی مبادرت نموده و فعال نمودن محتوا را برای نیل به‌غایت‌های تصریح‌شده در اسناد فرادست در سرلوحه تألیف و تدوین قرار دهند.

منابع

- Arshadi, v, Nobakht, G, Esmaeilpour Sani, R, Hoseinizadeh Yazdi, S. (2022). The Meta-Analysis of resistance Economics Studies in Iran: Identify the Factors Affecting the Strength of the Internal Structure of the Organization Against Shock. *Journal Of islamic Economics Studies*, 14(1), 169-127.

- Ebrahimi, H, Adib, Y , Rezapour, A, Toghiani, M. (2017). A study of the religious foundations of the optimal pattern of residential economic education curriculum. *Journal of the islamic revolutionary approach*, 110 (36), 41-58.
- Faghihi, A.(1998). Explaining the Objectives in the Education Economy from the point of view of Islam, Institute for Education; 64.
- Farhadi Mojdeh, A. (2017). Resistance economy from the perspective of the Holy Qur'an. Paper presented at the conference on the role of resistance economics in Iran, Bu-Ali University, Hamedan;132- 140.
- Karimi, S. Safari Anarky, M. (2011). Resistance economy from the point of view of Supreme Leader of the Revolution. Collection of the National Review Conference on the History of resistance economy in Iran, emphasizing the events, opinions and opinions of political leaders, 1-10.
- Kalantar, A. Amrai, F. (2012). Resistance economy, domestic production and support for Iranian work and capital. National Conference on Researching and Explaining Resistance Economy.Rasht, Gilan University.71- 85.
- Kerlinger, F. (2001). Basics of research in behavioral sciences. Translated by Hassan Pasha Sharifi and Jafar Najafi Zand. Tehran, Avai Noor,532.
- Krippendorff, K.(2008). Content analysis: methodological basics. Translated by Hoshang Naib. Tehran, Soroush Publications.742.
- Moradi, R , Nasser, E . (2016). Promoting the culture of work and economic effort through elementary curriculum. Doctoral dissertation Curriculum. Shahid Rajaei University of Tehran; 200.
- Miller, S. (1998). Professional education, is there a role here for a competency- based approach? New York: National Council on Economic Education, 17(3), 111.
- Piras,S, Righi, S, Banchelli, F, Giordano, C, Setti, M. (2023). Food waste between environmental education, peers, and family influence. Insights from primary school students in Northern Italy. *Journal of Cleaner Production* 383 , 13.
- Rabiei, M. Mohebbi Amin, S. (2009). Analysis of elementary school textbooks according to the structure of the consumption pattern (with an emphasis on verses and narrations. *Women and Family Cultural-Defense Quarterly*,5(16), 113-142.
- Rezaei, M. (2017). Design and validation of a suitable curriculum model for education for sustainable development in elementary schools, Ph.D. thesis, Shahid Rajaei TarbiatdarUniversity. Tehran; 234.
- Saunders and et al .(2003). The Status of economics in the high School Curriculum.110.
- saiflo, S.(2014). The concept of resistance economics, *Islamic economics knowledge quarterly*.9,31-52.
- Sorkhadehi, F. (2017). Solutions and Challenges for the realization of Islamic life style as a platform for the realization of resistance economics, National conference on the role of lifestyle in resistance economics;1- 18.
- Silver, G. Galen, A. William M. , Lewis, A.(2000). Curriculum Planning for Better Teaching and Learning .Translation: Gholamreza Khoynejad, Mashhad, Publishing House (Astane- Qudse- Razavi), 620.
- Sarukhani, B. (2009). Research methods in social sciences. Tehran, Research Institute of humanities and Cultural Studies, 542.
- Sarmad, Z. Bazargan, A. Hijazi, A. (2008). Research methods in behavioral sciences. Tehran: Aghaz Publications, 408.
- Suratno, Narmaditya, BS, Wibowo, A. (2021). Family economic education, peer groups and students' entrepreneurial intention: the

- mediating role of economic literacy.
Journal: Heliyon 7, e06692,9.
- Toghyani, M. (2017). Coming to a resistance economy and education. Taken from the Economic Journal site, 4, 157-168.
- Tarahami, F, Bazzazan, F. (2019). Review and Analysis of Book: Resistance Economics from Theory to Practice. Technology of education Journal. Tech. Edu. J. 14(1), 49-61.
- Whitaker and Dir.(2011). "A curriculum based on the principles of social constructivism focused on the development of individuals for the future work world".1- 26.
- Yar Mohammadian, MH. (2013). Principles of curriculum planning. Tehran, Yadavare Kitab,280.
- Yar Mohammadian, MH. (2011). Principles of curriculum planning. Tehran, Yadavare Kitab, 280.
- Yousefi Moghadam, M. (2021). The most important theoretical strategies of resistance economics based on the teachings of the Quran. Journal: Quranic Sciences Studie, 2, (3). 120-131.